

بهزاد نبوی آن‌هایی را که بعد از استیضاح همتی و استعفای ظریف، فاتحهٔ وفاق را می‌خوانند، تندرو می‌داند

چریک و دیوار واقعیت



زهرا طیبی خبرنگار گروه شد روز

با استیضاح همتی و استعفای ظریف بعد از کشمکش شش ماهه و هم‌زمانی آن‌ها، برخی اصلاح‌طلبان وفاق را تمام شده و فاتحه‌اش را نیز خواندند، حل‌وایش را هم بار گذاشتند. در این میان برخی از چهره‌های اصلاح‌طلب درون و بیرون از دولت، معتقد بودند وفاق شعار و گفتنی نیست که با یک استیضاح شیرازه‌اش از هم بپاشد و نابود شود. بهزاد نبوی، تنورسین پیر اصلاحات در مصاحبه‌ای با روزنامه ایران به همین مفهوم اشاره کرد و گفت: «نمی‌توان گفت با برخی حوادث مثل استیضاح همتی و استعفای ظریف، باید حل‌وای وفاق را خورد، بلکه باید جدی‌تر این ایده را دنبال کرد.» او برخلاف خواش‌های کمال‌گرایانه و فانتزی برخی اصلاح‌طلبان، نگاهی واقع‌بینانه به عالم سیاست دارد. نکته عجیب‌تر آنکه او صراحتاً به آن‌هایی که وفاق را تمام شده می‌دانند، می‌تازد، آن‌ها را به تندروی محکوم می‌کند و معتقد است مطرح کنندگان این موضوع، اساساً اعتقادی به این رویکرد ندارند، حتی آن طیفی که در قدرت حضور دارند. بهزاد نبوی که در سال‌های اخیر مسیر مماشات و همراهی با همه طیف‌ها و گرایشات اصلاح‌طلبی را پی گرفته با اصرار بر گفتمان صندوق به جای خیابان تلاش می‌کرد آن‌ها را ذیل گفتمان اصلاح‌طلبی تعریف کند، حالا صراحتاً به بخشی از افراد درون این طیف تاخته است.

■ وفاق؛ ابزار سیاسی‌کاری

استیضاح همتی و استعفای ظریف را نمی‌توان رفتاری صر فآسیاست‌زده و برای تسویه حساب سیاسی با دولت دانست. در این دو اتفاق، دو گروه در میان اصول‌گرایان در مجلس وجود دارند. یک گروه، تندروهای وابسته به جریان پایداری هستند که در تیرماه ۱۴۰۳ متوقف مانده‌اند. آن‌ها بنا را بر اعمال فشار به دولت و تسویه حساب با رقیب گذاشته‌اند و بر این اساس از هر ابزاری که فشار را به دولت افزایش دهد، استفاده می‌کنند. گروه دیگر اما اصل را بر همراهی با دولت می‌گذارند، در دام سیاسی‌کاری نمی‌افتند، وکیل‌الدوله هم نیستند و وظایف نظارتی خود در مجلس را بدون تعارف انجام می‌دهند. در ماجرای استیضاح، هر دو طیف نقش آفرین بودند؛ اما نمی‌توان همه با ماجرا را به گردن رادیکال‌های مخالف دولت انداخت و با سیاسی‌کاری خواندن استیضاح، دولت را در موضع مظلوم قرار داد و مجلس را به عقده‌کشایی محکوم کرد. در این میان باید نقشی هم پرای کوتاهی‌های وزیر قاتل شد. نطق پایانی همتی واصله گرفتن از اظهارنظر های کارشناسی، در افزایش رأی عدم اعتماد به او چندان بی‌تأثیر نبود. با این حال برخی از اصلاح‌طلبان، خواشنی تک خطی و سیاست‌زده از استیضاح همتی و بعد از آن استعفای ظریف داشتند. اگر چه نقش تندروها در افزایش فشار به دولت برای استعفای ظریف و استیضاح همتی صفر نبود، اما تلقی سیاسی بودن این استیضاح چندان دقیق نیست. این طیف که در روزهایی که مجلس تنها به فوریت لایحه اصلاح مشاغل رأی نداد، مجلسی‌ها را به خیانت و پشت‌پازدن

به وفاق محکوم کردند، حالا با استیضاح همتی و استعفای ظریف عملاً فاتحه وفاق را خوانده‌اند و وفاق را در سطح حکمرانی در بن بست تعریف می‌کنند.

■ تشییع جنازه وفاق در جمع اصلاح‌طلبان

عباس عبدی، از تنورسین‌های اصلاح‌طلب، استیضاح همتی را امری سیاسی، نه اقتصادی و حقوقی خواند که ضد وفاق، ضد مبنای شکل‌گیری انتخابات و آمدن پزشکیان است. عبدی، استیضاح همتی را تشییع جنازه وفاق خواند و نوشت: «اگر پزشکيان بتواند ماجرا را به ۱۶ تير برگرداند، قطعاً وفاق پیروز خواهد شد و الا باید نعلش وفاق را برای تدفین بدرقه کرد.» احمد زیدآبادی هم گفت: «وفاق به این معنا که دولت و مجلس روی یک‌سری سیاست‌های مشخص با هم به تفاهم برسند، دیگر جواب نداده و جواب هم نخواهد داد.» او استیضاح همتی را بر هم خوردن توازن نسبی بین دولت و مجلس دانست که احتمال ادامه همین مسیر توسط مجلس و تحمیل فشار بر دولت وجود دارد. کوروش احمدی، دبلمات‌پیشین هم در واکنش به استعفای ظریف نوشت تلاش‌های دولت در ۸ ماه اخیر به جایی که باید نرسیده و کار هنوز در مسیر درست قرار ندارد. او خطاب به پزشکيان هم نوشت: «برای آقای پزشکيان باید روشن شده باشد که دعوا نکنیم و وفاق، در سیاست که عرصه تعارض منافع اقشمار مختلف و نمایندگان آن‌ها و صاحبان منافع مشروع و نامشروع است، جایی ندارد.» روزنامه هم‌میهن نیز در یادداشتی بابتیر وفاق یک‌طرفه، استیضاح همتی را سوت پایان وفاق درون‌ساختاری دانست. غلامحسین کرباسچی هم استیضاح همتی را سیاسی دانست و گفت شعار وفاق در فضای سیاسی ایران کارکرد ندارد و افزود: «تجربیات

چهارشنبه‌سوری، ۸۰ ایرانی را در ۵ سال اخیر به کام مرگ کشانده است

«سور» یا «جنگ»؟



خبرنگار

۸۰ کشته؛ هزار و ۳۰ قطع عضو؛ پنج‌هزار و ۲۷۰ آسیب به چشم؛ چهارهزار و ۲۴۸ مورد سوختگی و ۱۷ هزار و ۵۰۰ مصدوم؛ این آمار آسیب‌دیدگان یک جنگ نیست، بلکه عواقب چهارشنبه‌سوری پنج‌سال اخیر در ایران است؛ جشنی باستانی که سال‌هاست از شیوه قدیمی خود فاصله گرفته و حالا دیگر به «جنگی غیررسمی» در خیابان‌های شهر تبدیل شده است. آمارها نشان می‌دهد نزدیک به ۴۵ درصد از آسیب دیدگان این حوادث را جوانان و نوجوانان زیر ۲۰ سال تشکیل می‌دهند. همین موضوع باعث شده شب‌های منتهی به چهارشنبه آخر سال برای خانواده‌ها نگرانی زیادی به همراه داشته باشد.

شاید تصور شود این آسیب‌ها تنها متوجه استفاده‌کنندگان از مواد محترقه است؛ اما آمارها نشان می‌دهد رهگذران و مأموران امدادی نیز از این آسیب‌ها درآمان نبوده و نیستند، به‌عنوان مثال در سال ۱۴۰۱ بیش از ۳۰ درصد آسیب‌دیدگان، عابرین پیاده بودند! با این‌همه عواقب چهارشنبه‌سوری تنها به آسیب‌های جسمانی خلاصه نمی‌شود؛ این شب خسارات پنهان دیگری هم دارد. بخشی از این مصدومان یا فوتی‌ها، حتی به چهارشنبه‌سوری هم نمی‌رسند. به‌عنوان نمونه درحالی‌که هنوز چهارشنبه‌سوری ۱۴۰۳ آغاز نشده که آمارها از فوت سه نفر در بازه اول تا نوزدهم اسفند خبر می‌دهند. در همین مدت ۱۸۶ نفر مصدوم شده‌اند و از این تعداد، ۲۲ نفر دچار قطع عضو، ۳۰ نفر دچار آسیب از ناحیه چشم و ۹۱ نفر دچار سوختگی شده‌اند.

■ پول‌هایی که دود می‌شوند!

این روزها اگر بساط فروش ترقه و مواد محترقه را در خیابان دیده باشید، با یک پرس‌و‌جوی ساده متوجه می‌شوید این مواد خیلی هم ارزان نیستند و خرید چند ترقه ساده، چند ده‌هزار تومان آب می‌خورد. اگر تصور کنیم از ۲۷ میلیون خانوار ایرانی ۱۵ میلیون خانوار، هرکدام فقط ۲۰۰ هزار تومان صرف خرید این مواد محترقه کند به رقمی حدود سه‌هزار میلیارد تومان خواهیم رسید، یعنی مبلغی برابر با حقوق یک‌ماه ۲۰۰ هزار کارگر یا کارمند با حقوق ماهانه ۱۵ میلیون تومان! باتوجه‌به اینکه عهده‌مواد محترقه وارداتی است، سالانه حجم قابل‌توجهی ارزبرای این مراسم از کشور خارج می‌شود؛ این یعنی دودشدن میلیارد‌ها تومان به بهانه یک شب.

■ ۱۳۹۸؛ کاهش حوادث به برکت کرونا!

کرونا اگرچه در ایران و جهان جان‌های زیادی را گرفت اما باعث شد چهارشنبه‌سوری سال ۱۳۹۸، کم‌خطرتر نسبت به سال قبلش باشد. در سال ۱۳۹۷، حدود چهارهزار و ۵۷۲ نفر در بازه زمانی ۱۵ اسفند ۹۶ تا ۱۵ فروردین ۹۷ دچار آسیب‌ناشی از مواد محترقه شدند. بر پایه آمارهای منتشرشده، در این سال برآثر حوادث ناشی از مواد محترقه، هشت نفر فوت کردند و ۲۷ نفر دچار معلولیت شدند. سال ۹۸ اما به دلیل شیوع کرونا، در پایتخت حداقل حوادث مربوط به چهارشنبه‌سوری تا ۵۰ درصد کاهش پیدا کرد. در سال ۹۸، تنها در



سیاسی نشان داده شعارهایی مثل وفاق در کشور آن قدر تأثیر متقابل ندارد. یعنی یک نفر هرچقدر کوتاه بیاید، طرف مقابل جری‌تر می‌شود. متأسفانه یک دوگانگی سیاسی اینچنینی در کشور وجود دارد. آقای پزشکيان برای اینکه بتواند همکاری جناح‌های سیاسی را جلب کند، خیلی کوتاه آمده است.» بهروز شجاعی، فعال رسانه‌ای اصلاح‌طلب هم گفت: «امیدوارم این رأی درس خوبی برای رئیس‌جمهور درباره وفاق باشد.»

■ وفاق در مصادره تندروهای اصلاح‌طلب؟

درحالی‌که به نظر می‌رسد طیفی از اصلاح‌طلبان حیات وفاق را به یک استعفا و استیضاح در دولت گره زده‌اند، اما طیف واقع‌گرای اصلاح‌طلبان معتقدند وفاق مفهومی نیست که با استیضاح یک‌وزیر در دولت، تمام‌شود و به بن‌بست بخورد. برخورد بدنه اصلاح‌طلب با مفهوم وفاق نیز حاوی برخوردی دوگانه است. طیفی از اصلاح‌طلبان وفاق را مصادره می‌کنند، تحقق یا عدم تحقق آن را در نسبت با خود و تأمین منافع خود تعریف می‌کنند و در صورتی‌که منافع و خواست آن‌ها تأمین نشود، وفاق را به بن‌بست رسیده می‌دانند. این بدنه به همان رویسه تندروهای دوم خردادى حرکت می‌کنند که بدون آنکه تعریف دقیقی از اصلاح‌طلبی ارائه کنند، اصلاح‌طلبی را در انحصار خود آورده بودند و برای ارقاماد مطلوب‌شان با برچسب اصلاح‌طلبی، مجوز صادر می‌کردند و هراعتراض یا انتقادی را مانع‌تراشی در مسیر اصلاح‌طلبی می‌خواندند. در سمت دیگر و در ماجرای استیضاح همتی و استعفای ظریف، طیفی از اصلاح‌طلبان ننگاه دیگری به اصلاح‌طلبی دارند. آن‌ها مفهوم وفاق را بسطی‌تر فهم و تعریف می‌کنند که با یک استیضاح، حیات

آن به خطر نمی‌افتد. آن‌ها ضمن آنکه فاصله‌گذاری با خوانشی سیاست‌زده از مفهوم وفاق دارند، معتقدند همچنان می‌توان از این شعار و گفتمان در فضای سیاسی استفاده کرد و در یک کلام وفاق هنوز کارایی دارد. واکنش بهزاد نبوی به استیضاح همتی در زمره این نگاه قرار دارد. او ضمن اشاره به اینکه نمی‌توان گفت با استیضاح همتی و استعفای ظریف، باید حل‌وای وفاق را خورد، گفت: «باید جدی‌تر این ایده را دنبال کرد. همه ما مکلفیم به حفظ و تقویت وفاق و باید تلاش کنیم که وفاق به‌هم نخورد.» نبوی به طیفی که وفاق را تمام‌شده می‌دانند، می‌تازد و آن‌ها را تندرو می‌داند و از دایره وفاق خارج می‌کند، آن هم در شرایطی که طیفی که به ظاهر برای وفاق سینه‌چاک می‌کنند، آن را به مفهومی مصادره‌شده تبدیل کرده‌اند که بالاتر به آن اشاره شد.

■ بن‌بست وفاق، بن‌بست دولت است

بهزاد نبوی حتی در میانه ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ که برخی از اصلاح‌طلبان صراحتاً از راهبرد خیابان به جای صندوق صحبت می‌کردند، همچنان از راهبرد صندوق به جای خیابان دفاع می‌کرد. او معتقد بود راهی جز حرکت از این مسیر در چهارچوب دموکراسی وجود ندارد. بعد از انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری نیز از همین گفتمان و راهبرد به طور جدی دفاع کرد. اصل اساسی برای نبوی، حفظ یکپارچگی اصلاحات بود. او حتی در دوره اوج اختلافات درون بدنه اصلاح‌طلبی نیز در میانه این اختلافات ایستاد و تلاش کرد تا اصلاحات را از افتادن در دره رادیکالیسم نجات دهد و هنوز نیز در این مسیر حرکت می‌کند. البته رادیکال‌های اصلاح‌طلب نیز در چندسال اخیر از گفتمان و توصیه‌های چریک پیر عبور کرده‌اند. انتخابات جبهه اصلاحات و کنار گذاشتن نبوی از ریاست جبهه اصلاحات، نمود عینی عبور از نبوی بود. ترکش‌های این عبور در مواضع برخی افراد در دولت و خارج از آن خود را نشان داد. نبوی اما برخلاف سابق، در اظهارات تازه‌اش در مورد استیضاح همتی و استعفای ظریف، حمله‌تندی به طیفی از اصلاح‌طلبان که وفاق را تمام‌شده خواندند، وارد و عملاً آن‌ها را از دایره وفاقین خارج کرد. اظهارات او را نمی‌توان یک انتقاد معمولی دانست. واقعیت این است که نقطه قوت دولت چهاردهم همین شعار محوری آن یعنی وفاق است. فارغ از آنکه فضای سیاسی به این گفتمان نیاز دارد، گفتمان وفاق تنها مسیری است که می‌تواند نقاط ضعف و کاستی‌های آن را کمرنگ کند و باعث تقویت نقاط قوت شود و این امکان را به دولت بدهد که از بحران‌ها عبور کند. در موقعیتی که حتی برخی از اصلاح‌طلبان، وضعیت دولت را شکننده می‌دانند، حرکت در مسیر وفاق می‌تواند دولت را از پیچ و خم‌ها و چالش‌های پیش‌رو به موقعیت عبور دهد. در این موقعیت، خواندن فاتحه وفاق به دولت نیز آسیب می‌زند. دولت با ادامه وفاق مسیر درستی را در سطح اجرایی پیش گرفته است. حالا اگر به توصیه برخی از اصلاح‌طلبان که نبوی آن‌ها را تندرو می‌خواند، وفاق تمام شده تلقی شود، افق‌های روشن پیش روی دولت حذف می‌شوند و زمینه تضعیفش فراهم می‌کنند. به نظر می‌رسد نبوی به همین خاطر به این جنس واکنش‌ها می‌تازد؛ چراکه آن‌ها یا با غرض و هدف و یا بی‌توجه به اثر اظهارات خود، به دولت چهاردهم آسیب می‌زنند و دولت را به بن‌بست می‌کشانند.

■ ۲۸؛۴۱۰۱ کشته

در سال ۱۴۰۱، حوادث مربوط به چهارشنبه‌سوری نسبت به سال قبلش رشد داشت. در این سسال ۲۸ نفر به دلیل استفاده از مواد محترقه جانشان را از دست دادند. شاید یکی از دلایل رشد فوتی‌ها و مصدومان چهارشنبه‌سوری سال ۱۴۰۱، فراخوان‌های گروه‌های تروریستی و عناصر ضدانقلاب برای استفاده از این مراسم برای اقدامات خرابکارانه بوده باشد. مجموع آمار نهایی مصدومان حوادث چهارشنبه‌سور، چهارهزار و ۳۶۸ نفر بود. از این تعداد سه‌هزار و ۵۵۷ نفر معادل ۸۲ درصد از کل آسیب‌دیدگان در روز چهارشنبه‌سوری دچار مصدومیت شده‌اند. این آمار با رشدی ۲۲ درصدی نسبت به سال قبل خود مواجه شد. مواد محترقه همچنین باعث ۲۲۹ قطع عضو، هزار و ۴۲۸ آسیب به چشم و ۸۹۳ سوختگی در سال ۱۴۰۱ شد.

■ ۱۴۰۲؛ همچنان روند صعودی است

به‌جز تعدادفوتی‌ها، در سایر آمارها، آمار آسیب‌دیدگان، در سال ۱۴۰۲ نیز افزایش داشت. طبق آمارها از ۱ تا ۲۳ اسفند ۱۴۰۲، ۶ هزار و ۱۶۵ نفر اثر بر برخورد با استفاده از مواد محترقه دچار آسیب‌هایی از جراحات‌های سطحی تا قطع عضو و حتی فوت شدند. در سال ۱۴۰۲، اگرچه تعداد جان‌باختگان ۱۷ مورد فوتی کاهش یافت، اما شمار افراد دچار قطع عضو به ۳۰۵ نفر افزایش پیدا کرد. آسیب به چشم با هزار و ۹۵۰ مورد و انواع سوختگی‌ها با هزار و ۶۴۱ مورد، شایع‌ترین صدمات ناشی از حوادث چهارشنبه‌سوری این سال بودند. آنچه باعث نگرانی است اینکه ۴۷ درصد از مصدومان چهارشنبه‌سوری، افراد زیر ۱۸ سال هستند.

■ خسارت به نیروها و تجهیزات امدادی و فشار به کادر درمان

در سال ۱۴۰۱ یک درصد از مصدومان حوادث چهارشنبه‌سوری را نیروهای امدادی تشکیل می‌دادند. در سال ۱۴۰۲ نیز سه پرسنل انتظامی با پرتاب نارنجک دست‌ساز مجروح شدند. گزارش‌ها نشان می‌دهد در این روز خسارات قابل‌توجهی هم به تجهیزات و ماشین‌های امدادی وارد می‌شود. این را هم نمی‌توان نادیده گرفت که بر اثر مراجعات به بیمارستان و اورژانس‌ها تا چه میزان کادر در مان تحت فشار کاری برای جبران این آسیب‌هاقار می‌گیرند.

■ هیجان به چه قیمت؟

صفحات اخبار بعد از چهارشنبه‌سوری پر می‌شود از اتفاقات تلخ و آسیب‌های جبران‌ناپذیری که برای چندثانیه هیجان یا بر اثر یک شوخی یا شاید کاملاً اتفاقی رخ داده‌اند. برهم‌زدن آسایش خانواده‌ها به‌خصوص سالمندان و خردسالان، بانوان باردار، بیماران، از دست‌دادن بینایی، شنوایی، قطع عضو و سوختگی، خسارات مادی و آسیب به محیط‌زیست، بخشی از تبعات این شب هستند. به‌نظر می‌رسد با گذشت این همسال از شیوه اشتباه برگزاری چهارشنبه‌سوری و آسیب‌های فراوانش، وقت آن رسیده‌به جای هیجان‌های لحظه‌ای و گرفتار کردن خود و خانواده در روزهای منتهی به سال نو یا برگزاری یک درهمی یا جشن آرام و احیای سنت‌های قدیمی با خطرات بهتر به استقبال سال جدید برویم.



جان باختند. ۵۲۷ آسیب به چشم، ۱۳۱ قطع عضو و ۵۴۶ سوختگی متوسط تا شدید، بخش دیگری از تبعات چهارشنبه‌سوری آخر سال ۱۳۹۹ بودند.

■ ۱۴۰۰؛ رکورد در همه چیز

تزریق واکسن کرونا و رفع محدودیت‌های کرونایی، چهارشنبه‌سوری آخر سال را به یک آتش‌بازی پرتلفات تبدیل کرد. در این سال تعداد فوتی‌ها ۱۳۳ درصد رشد پیدا کرد و به عدد ۲۱ رسید. در چهارشنبه‌سوری این سال سه‌هزار و ۵۸۲ نفر مصدوم شدند که از این تعداد، ۱۷۲ نفر قطع عضو شدند و ۸۶۰ نفر دچار آسیب چشمی شدند و ۸۵۰ نفر نیز با انواع سوختگی مواجه شدند. درمجموع سال ۱۴۰۰، رکورد قابل توجهی در میزان تبعات مربوط به این مراسم داشت.

سال	فوتی	مصدوم	قطع عضو	آسیب به چشم	سوختگی
۱۳۹۸	۴	۱۴۶۸ (فقط مربوط به روز حادثه)	۱۹۳	۵۱۲	۳۱۸
۱۳۹۹	۹	۱۸۹۴ (فقط مربوط به روز حادثه)	۱۳۱	۵۲۷	۵۴۶
۱۴۰۰	۲۱	۳۵۸۲	۱۷۲	۸۶۰	۸۵۰
۱۴۰۱	۲۸	۴۳۶۸	۲۲۹	۱۴۲۸	۸۹۳
۱۴۰۲	۱۷	۶۱۶۵	۳۰۵	۱۹۵۰	۱۶۴۱